

نظام العلماء سبزواری (۱) این مسجد را مرمت کرد و قرائت خانه و کتابخانه‌ی ودری به کوچهی پامناز، نیز در آن احداث کرد و من نویسنده این مرمت را نیک به یاد دارم چند سال پیش جنبیدن منار پامناز، شایع شد و کارشناسان نیز جنبش آن را تصدیق کردند. آقای ابراهیم صهبا بدین مناسبت شعری ساخت که بانو سیمین بهبهانی آن را پاسخ گفت و صاحب این قلم، به جسارتی از عهده‌ی جواب بانو برآمدم:

ابراهیم صهبا

بشهرهای دگر فخر اصفهان این است
که در زمین صفاها ن منار می جنبد
ولی رقیب کنون گشته بهر شان پیدا
منار تازه که در سبزوار می جنبد
گمان برم که بهمد رواج می‌نی ژوپ
منارها همه بی اختیار می جنبد

سیمین بهبهانی

صهبا! شنیدم آن سخن آبدار تو
آن حسرت نهان و غم آشکار تو
آن آرزوی خفته نه بیدار می شود
ناید دریغ دامن کوتاه به کار تو
گر در همه دیار بجنبند منارها
من شرط می‌کنم که نجنبند منار تو

سید حسن امین

ای آمده خزان و شده نو بهار تو
دیگر مزاج و طغز نیاید بکار تو
بنشین زپای و چشم طمع از کسان مدار
بگذشته روز کار تو و روزگار تو
ترسم که هم منار صفاها ن فتد زکار
افتد خدا نکرده اگر در کنار تو

پایان

(۱) میرسید جعفر نظام العلماء، برادر مهترنیای من زنده یاد میرسید حسن امین الشریعه، شاعر، ادیب، نکته‌سنج، عارف، درگذشته‌ی ۱۳۱۸ شمسی، مدفون در روستای اسماعیلی از توابع قاسمی کوه میش سبزوار.

چند اثر نویافته

در مناظرات کلامی شیعی

دوست دانشمند و کتاب‌شناس ما جناب آقای حاج سید محمود آیت‌الله زاده مرعشی نجفی مجموعه‌ای گران‌قدر دارد حاوی چندین کتاب و رساله به زبان فارسی در فقه و مناظرات کلامی شیعی امامی، از آن جمله چند اثر از قرن‌های هشتم و یازدهم که نام آن پیتر از این در هیچ جای دیگر دیده نشده است.

این مجموعه نیمه‌ای است از مجموعه‌ای بزرگ پیرامون هزار و سیصد برگ به یک خط، تحریر ابوالحسن بهاری در مقام جهانگیر نگرهند به روزگار امراء شیعی قطب شاهی با تاریخ‌های دوشنبه ماه صفر ۱۰۴۵ (پایان ش ۱ متن) و ۱۰۴۷ (پایان ش ۲ متن و ۱۰ حاشیه) و رمضان ۱۰۴۸ (انجام ش ۲۵ حاشیه) و ۱۴ صفر ۱۰۴۹ (ش ۲۶) ۱۶۲۶ع - ۱۰۴۹ (ش ۲۸) و ۹ رجب ۱۰۴۹ (ش ۲۹).

این نیمه را آقای مرعشی از اصفهان به دست آورده‌اند. نیمه دیگر مجموعه که آن را بعدها جدا کرده و این قسمت آن را مستقلاً صحافی نموده‌اند دانسته نیست که در کجاست. امید است آن نیمه هم - که حاوی چندین متن مهم و ناشناخته دیگر است - هر چه زودتر بدست آید.

فهرست همه محتوای مجموعه در آغاز همین نیمه هست و از آن برمی‌آید که در متن آن شش کتاب و در حواشی ۴۵ کتاب و رساله نوشته شده. بدین ترتیب اجمالاً به دست می‌آید که در نیمه دیگر کتاب چه نوشته‌هایی بوده است. افسوس باید داشت که قسمتی از لبه برگ‌ها در صحافی از میان رفته و از این رهگذر نام چند اثر نامعلوم مانده است. نیمه موجود از برگ ۱ است تا ۶۶۵.

فهرست اجمالی متن مجموعه چنین است:

۱ - احسن الکبار فی معرفة الائمة الاطهار محمد بن ابی زید بن عربشاه

- حسینی علوی ورامینی، از نیمه دوم قرن هشتم [پ ۳۵۳ ر].
- ۲ - ترجمه کشف الغمه علی بن عیسی اربلی، ساخته علی بن حسن زواری به نام شاه طهماسب صفوی [۲۵۵ پ ۵۶۴ ر].
- ۳ - نزهة الکرام وستان العوام جمال الدین مرتضی محمد بن حسین رازی. مجلد نخست درسی باب [۵۶۵ پ ۶۶۵ ر].
- ۴ - بهجة المباح (۱) تاج الدین حسن شیعی سبز واری [۶۷۷-۹۰۵].
- ۵ - کتاب (۲) تصنیف شیخ طبرسی [۹۰۶ - ۹۹۵].
- ۶ - فوحات القدس یوسف بن محمد جرجانی استرآبادی [۹۹۶ - ...]. چنین است فهرست اجمالی حواشی مجموعه.
- ۱ - ترجمه قطب شاهی (ترجمه اربعین شیخ بهائی) از ابن خاتون عاملی [۹۹-۱۵۵ ر].
- با فهرست مبسوط مطالب کتاب دربرگهای آغاز مجموعه [۵۰۱ ر].
- ۲ - رساله در اصول عقائد در چهار باب که در میانه باب سوم از شاه اسماعیل یاد می شود [۱۰۰-۱۲ ر].
- ۲ - رساله در فقه به جهت رفع حاجت بعضی اعزّه [۱۱۲ پ-۱۱۷ ر].
- ۴ - رساله در احکام حج [۲۱۷-۲۱۸ ر].
- ۵ - رساله در نیت احرام [۱۱۸-۲۱۸ پ].
- ۶ - ترجمه نهج الحق علامه حلی که در ۱۰۲۳ انجام گرفت و کاتب مختصر آن را در این حواشی برنگاشته [۱۱۸ پ-۱۳۱ ر].
- ۷ - ترجمه مهناج الکرامه او از نعمت الله رضوی مشهدی [۱۳۱ پ - ۱۴۸ پ].
- ۸ - رساله در بیان اعتقادات قبيله و عبادات شرعیه در مقدمه و دو باب [۱۴۸ پ-۱۶۰ ر].
- ۹ - تبصرة العوام [۲۰۵ ر-۱۶۲ پ].
- ۱۰ - مسمار العقیده [۲۰۵ پ-۲۲۱ ر].
- ۱۱ - رساله در اصول عقائد [۲۲۱-۲۳۰ پ].
-
- ۱- گزیده عبا هج قطب الدین کیدری که قطعه ای از آن را حضرت استاد آقای مشکوة دارند.
- ۲ - شاید اسرار الانامه عماد طبری. کامل بهائی و تحفة الابرار و مناقب الطاهرين او نیز در این مجموعه هست.

- ۱۲ - رساله در اثبات امامت امیر مومنان علی (ع) [۲۳۰ پ - ۲۳۴ پ].
- ۱۳ - تحقیقات یوحنا یهودی که مسلمان شده بود [۲۳۴-۲۳۱ پ].
- ۱۴ - رساله در تفسیر آیه و نزل من القرآن . . . بنام جالینوس مقام رکن الدین مسعود که در رسیدن به مقام پند صاحب مقصدا سنی است (۱) [۲۳۷-۲۳۸ پ].
- ۱۵ - شرح دعاء منمى قریش از یوسف بن حسین بن محمد نصیر طوسی انداروادی در او اخرع ۱- ۷۴۰ در محروسه سبزوار [۲۳۸-۲۴۱ پ].
- ۱۶ - خلاصة البیان در احکام خوردنی ها و آشامیدنی ها و حلال و حرام آنها ، در مقدمه و سداب و خاتمه . در آن از شیخ فخر الدین ولد شیخ جمال الدین مطهر حلی یاد میشود [۲۴۲-۲۴۴ پ].
- ۱۷ - رساله حسینیة [۲۴۴-۲۵۶ پ].
- ۱۸ - نهج الیقین در اصول دین [۲۵۶-۲۶۳ پ].
- ۱۹ - ترجمه و شرح خطبه ششقیه از شریف بن نور الله حسینی [۲۶۳-۲۷۵ پ].
- ۲۰ - در بحر مناقب درویش برهان [۲۷۵ پ - ۳۰۳ پ].
- ۲۱ - تحفة الابرار عماد طبری [۳۰۳-۳۳۱ پ].
- ۲۲ - مرآت القلوب [۳۳۱-۳۳۸ پ].
- ۲۳ - رساله در تفسیر چند آیه اخلاقی قرآن کریم و ترجمه برخی از احادیث نبوی در مناقب اهل بیت با نمونه هایی از روش سلوك آنان . به نام سلطان نظام شاه ، پادشاه بلاد هند [۳۳۸ پ - ۳۴۰ پ].
- ۲۴ - ریاض المحبین فی مناقب امیر المؤمنین [۳۴۰ پ - ۳۵۰ پ].
- ۲۵ - کامل بهائی [۳۵۰ پ - ۴۴۰ پ].
- ۲۶ - مناقب مرتضوی محمد صالح حسینی ترمذی [۴۴۰ پ - ۵۴۳ پ].
- ۲۷ - ذخیر المقالة در علم کلام [۵۴۳ پ - ۵۴۹ پ].
- ۲۸ - نظامیه فی مذهب الامامیه محمد بن احمد خواجگی شیرازی [۵۴۹ پ - ۵۶۷ پ].
- ۲۹ - سیر النبی . تاریخ عمومی مختصر از دوره پیامبر تا قرن نهم به نام شاه عباس اول [۵۶۷ پ - ۶۱۲ پ].
- ۱ - به قرائنی که در براعت استهلال دیباجه دیده می شود گویا همان حکیم رکنای کاشی مشهور .

۳۰ - مصابیح القلوب تاج الدین حسن شیعی سبزواری [۶۱۳ پ -

[۶۶۵ پ]

دنباله متن مصابیح تا برگ ۶۹۳ ادامه داشته که در این نیمه تنها تا فصل
چهل و یکم از ۵۳ فصل آن آمده است . در حواشی نیمه دیگر مجموعه که اکنون
در دست نیست این رساله ها و کتاب ها بوده است :

۳۱ - کفایة المؤمنین گویا همان که محمد شریف خادم نگاشته است (ذریعه

۱۸ : ۱۰۰) و نسخه آن در کتابخانه مدرسه حجتیه قم هست [۶۹۳ - ۷۴۹] .

۳۲ - مناقب الطاهرین عماد طبری [۷۴۹ - . . .] .

. . . - ۳۳

۳۴ - معتقد الفایزین [۸۷۹ - ۹۱۶] .

۳۵ - رساله در تحقیق احوال حکما المسمی به خلاصة الحقایق

[۹۱۶ - ۹۹۲] .

۳۶ - رساله در فقه [۹۲۲ - . . .] .

. . . - ۳۷

۳۸ - رساله در واجبات نماز و غیره المسمی به سی و هفت باب تصنیف سدید

جرجانی [۹۲۹ - ۹۴۰] .

۳۹ - رساله فی فرض الصلوة [۹۴۰ - ۹۴۴] .

۴۰ - رساله شرح زیارت ابی عبدالله الحسین علیه الصلاة والسلام در روز

عاشورا [۹۴۴ - . . .] .

. . . - ۴۱

۴۲ - . . . الجلی [۹۴۷ - ۹۹۷] .

۴۳ - فیوض الصوفیة الجعفریة تصنیف شیخ عبدالله شطاری (۴)

[۹۹۷ - ۱۰۰۴] .

۴۴ - وسیلة الخادم الی المخدوم [۱۰۰۴ - . . .]

اینک آشنایی بیشتر با چند اثر کلامی از این جمله که از آن نامی درجایی

دیگر ندیده ام، بر اساس شماره های پیش .

۱۰

مسماة العقیدة

در اصول عقائد شیعی و برخی فروع عملی ، به گونه سؤال هایی که پاسخ

آنها از رئیس و پیشوای مذهبی اهل سنت اصفهان خواسته شده است . ساخته هبة الله بن محمد الاصيل در سال ۷۰۷ در اصفهان . در دوازه فصل :

فصل ۱ - در توحید . فصل ۲ - در نبوت . فصل ۳ - در امامت . فصل ۴ - در شناختن اسلام و ایمان . فصل ۵ - در وجوب تکلیف و طاعت . فصل ۶ - در عصمت فصل ۷ - در امامت مسلمانان . فصل ۸ - در اجماع و نص . فصل ۱۲ - در سوالات مختلفه .

در دیباجة این رساله از سلطان محمد خدا بنده - اولجایتو و عبدالله بن محمد بغدادی و رساله عربی او و نظام الدین اسحاق مزهد واعظ اصفهان (۱) ، و در انجام آن از خلیفه عجم قاضی القضاة جلال الاسلام و کتابهایی که نیاکان مؤلف در فضائل اهل بیت تدوین نموده اند یاد می شود .

آغاز : د بسمله . . بعد از حمد بی قیاس و ستایش و سپاس مر خدای یکتای بی همتا را عز ذاته و جل صفاته که هستی همه چیزها بر وجود و یگانگی او گواه است و آدمی (۹) از نام و نشان همه چیزها آگاه ، و آفرین بر روان مهتر آدمیان محمد مصطفی و بهترین یاران علی مرتضی و پیروان ایشان .

چنین نویسنده محرر این رساله و مقرر این مقاله که به تاریخ میانه تابستان سال بر هفصد و هفت از هجرت پیغامبر ما از مکه به مدینه و عهد دولت میمون و روزگار همایون شاهزاده و پادشاه جهان خدایگان سلاطین زمین و زمان ، داراء جهانیان پیشوای خسروان ، شاه مسلمانان سایه رحمت رحمان ، آفتاب آسمان امن ایمان ، فروغ اروغ چنگیز خان ، غیاث الدنیا والدین .

جهانش به کام و فلك یار باد جهان آفرینش نگهدار باد

۱ - در رساله سیر النبی (ش ۲۹ همین مجموعه بزرگ ۶۱۲ ر)

می نویسد :

و سلطان محمد خدای بنده در شهور سنه سبع و سبع مائه فرمان داد تا سکه و خطبه به اسامی دوازده امام علیهم السلام مزین سازند . در بسیار جاها از جمله اصفهان از پیش نرقت و اهالی آن فغان قبول نمی کردند تا در سنه عشر و سبع مائه بیست هزار سوار خواست که بدانجا فرستد و متمردان را تأدیب کند .

بعد از رحمت بسیار مقدم ایشان که ملا ابواسحاق بود گرفته به اردوی آوردند ، يك مرتبه سر سختی اصفهانیان تخفیف یافت اما چنان که باید به راه نیامدند .

در میان عامه اهل جهان خاصه خطه اصفهان که واسطه قلاعه اقلیم وسط است گفت و گوی و جست و جوی به واسطه بحث امامت نوع انسان و کار خلافت پیغامبر آخر الزمان و حال امیر المؤمنین شیر یزدان و دوستان و دشمنان او پیدا و پنهان پدید آمده بود .

حکیم فاضل عارف و اصل مولانا تاج المله والدين عبدالله بن معمار البغدادی اینجا رسیده و هم در این سخنان سؤال چند نزد شیخ نامدار و اعظ اهل این دیار نظام الدین اسحاق مزهد نوشته و رساله عربی ساخته ، چون او بر عزیمت سفر روانه شد جماعت بزرگان و دوستان همه از آن سؤالات [بهره ور] نمی گشتند به اتفاق اشارت کردند که سؤالات را پارسی در میان رساله . . آن بحث ها را پاک و منقح کرده ثبت گرداند و اگر جایی روشن تر و جهی . . آیات و امثال دیگر سخنان که به فهم نزدیک باشد یا به جواب . . مؤکد باید کرد این بنده باید بدان مشغول شود تا فائده آن سؤالات . . عام برسد و هر که را بحثی و سخنی روی نماید و جوابی تواند گفت یا نوشت آسان باشد و حقیقت احوال انشاء الله بر خواهندگان و خوانندگان پوشیده نماند .

بنا بر آن التماس، این رساله در اعتقاد نوشته شد و دیباچه این به ذکر امیر و امیرزاده عادل و نیکودل پشت و پناه مؤمنان شهر یار ایران و توران .

جوان و جوان بخت با فرهی سرافراز و دل دار دولت رهی که در این زمان جان اصفهان و باسان عراق است معطر و مشرف گشت . یقین که چون به نظر لطیف و مطالعه شریف آن مقبل رسد مقبول آید و پسندیده گردد و نام این رساله « مسمار العقیده » است یعنی چون آدمی به حقیقت عبارت از اعتقاد است ، اگر عزیزی این را فهم کند و جواب های آن را بداند من بعد مسمار بر در عقیده بندد و بتوفیق الله هیچ عقیده دیگر را غیر از این در دل نگذارد .

انجام : . . و چون آبا و اجداد این ضعیف لهیف که مؤلف این رساله و مرتکب این بسالت است الفقیر الى الله الجلیل هبه الله بن محمد الاصل اصحاب احادیث سید المرسلین و قائد الزالمحجلین بوده و همواره مناقب و مآثر امیر المؤمنین و امام المتقین ساخته و کتاب ها پرداخته و به شرح شمری از کمالات و فضائل ائمه معصوم هریک خود را مشرف گردانیده و آن معانی در زمانی که امام [را] قوت و مکنث آن که اظهار امثال آن کنند نبوده در سلك کلك استعارت کشیده . بعد از آن که حق تعالی این مسکین را من المهد الى المهد هم توفیق خلوت و عزلت و هم صحبت اصحاب علم و دین و معرفت و هم موافقت ارباب عقل

وحکمت و هم مراقبت خداوندان قضا و قدر و حکومت لاسیما مجلس عالی مولی الموالی عصیر المفاخر و المعالی قاضی القضاة و الحکام جلال الاسلام ضاعف الله [جلاله] و مدضلاله که اباً عن جد خلیفه عجم و رئیس رؤساء امم بوده کرامت فرموده و بر وفق قضیه «انا وجدنا آباءنا علی ذلك» و بقیه آثار «طاب العلم فریضه» از روی بحث و تفقیص به تدوین کلمات و تحصیل جواب این سؤالات قیام نمود و بی مداخله این مشکلات را بر طبق عرض نهاد و اگر چه بعضی جاهلان را موافق طبع نیاید اما : اذاریت الرجل محبباً فی اخوانه مودداً عند جيرانه ناعلم انه مداهن .

امید به فضل کرد گارچنان است که ملوم و معایب نگردد و دیناً و دنیا از این فایده هاء بی منتهی بیند و از خرمن نزدیکیان و مقربان حضرت «و علمناه من لدنا علماً» خوشه چینند . و نیز چون مطاوعت پادشاه عادل و متابعت سلطان کامل به مطاوعت خدا و رسول پیوسته ، و او مقتدی به امامت علی بن ابیطالب و مشایعت حزب غالب یقین که بعین عنایت «انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون» ملحوظند در کف رعایت «والله غالب علی امره» به حظ اوفرو خط اوفی محظوظ افتد . بلطفک یا اکرم الاکرمین بجدو ک یا ارحم الراحمین .

نموته سبک کتاب : «سؤال : همچنین توقع دارد شیخ فرماید که جماعتی در لیلۃ العقبه چون پیغمبر علیه السلام از حجة الوداع بازگشته بود وصیت کرده مسلمانان را با امیر المؤمنین علیه السلام و کار بدو سپرده و تمامت حاضران تهنیت گفته ، کدام بودند که قصد پیغمبر داشتند و قصد امیر المؤمنین و به راه آمده بودند و نام ایشان چه بود و چه قصد داشتند ؟ چرا این خدعت می کردند تا خدیجه ایشان را بدیدند و پیغامبر فرمود که اعز کم بالمنافقین خدیجه ایشان کدام بودند و نام و نسب ایشان چه بود و چه معنی دارد «اعزکم بالمنافقین خدیجه» تا مردم دشمنان خدا و رسول خدا را بشناسند و بدانند که برق چگونه بجست و ایشان را رسوا کرد ، و حال ایشان آشکارا شود و همچنان که مؤمنان ایشان را می شناسند مسلمانان نیز ایشان را بدانند که ایشان چه کرده تن بوده اند .

رساله در اصول عقائد

به روش شیعی . در ۲۵ باب بنا بر آنچه در فهرست آغاز رساله آمده است و این فهرست بر متن کتاب درست منطبق نیست چه در میان بایی افزوده شده و شمار درست ابواب ۶۶ است .

این رساله هم از کارهای شیعی آغاز قرن هشتم باید باشد. در آن از ابوالفتح عجلای در گذشته ۶۰۰ و کسانی دیگر نقل می‌شود.

آغاز: «بسم الله... الحمد بقدرت العالمین وصلى الله على محمد وآله اجمعین».

بدان ای دوست مخلص که اول بنده مکلف معرفت ایمان واجب است (کذا) و ایمان تمام نشود الا بر هشت چیز که اصول دین خوانند توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد و تولا و تبرا و امر معروف و نهی منکر... پس به فضل ذی الجلال اجتهاد کردیم تا معنی تولا و تبرا را از عترت رسول در این مختصر جمع کردیم...»

۱۲

رساله در اثبات امامت

از ابوالفضل محمد بن ابی المکارم علی حسینی در سال ۶۴۹ و در دیباجه از مجموعهات و مؤلفات دیگر خود، و از این که در هنگام تدوین این رساله به واسطه نااهلان روزگار و دانشمند نامان مکار کنج انزوا گرفته بود یاد می‌کند.

آغاز: «بسم الله... سپاس و ستایش آن خدای را...»

منشی و محرر این رساله بنده ضعیف نحیف ابوالفضل محمد بن ابوالمکارم الملوی الحسینی غفر الله ذنوبها و ستر عیوبها آمدتی مدید و عهدی بعید خواهان بود که مسأله‌ای چند در اثبات امامت امیر المؤمنین علی علیه السلام و فرق میان تقدیم و تفضیل بیان کند و جواب آن به دلیل قاطع و برهان ساطع گوید. از علایق و عوایق روزگار و ناموارد فراغت نمی‌یافت با آن که در مجموعهات و مؤلفات خویش جزوی از کل در اثناى سخن آورده است. اما در شهر و سنه تسع و اربعین و ست مائة که خدای عز و جل به واسطه نااهلان روزگار و دانشمند نامان مکار در کنج انزوا... فرموده اما بحمد الله و سعة فضله قوة تفکر که خواجه عالم (صلی الله علیه وآله وسلم) از آن خبر می‌دهد که «تفکر و اقی الله ولا تفکر و اقی ذات الله» غالب بود و دل و جان طالب که در سبق درجه و تقدیم و تفضیل و مناقب و مناصب و افضلیت و اولویت و اقریبت جزوی چند از بیاض به سواد رسد تا غبار لوث از دامن مؤمنان صادق و موحدان عاشق پاک شود و خاردیده اغیار شکسته گردد.

اکنون بیان کنیم که خلق عالم دو گروهند چنان که حق تعالی در کلام مجید می‌فرماید: «فمنکم کافر و منکم مؤمن»، و اولاد آدم از این دو بیرون نباشند بعضی جاهل و بعضی عالم، علماء نیز از این دو بیرون نیستند علماء ضالان و علماء توحید و هدایت جهان نیز از دو بیرون نیستند.

فی الجمله چون حضرت مصطفی (ص) از سرای فنا به دار بقا رحلت فرمود اختلاف در میان امت ظاهر گردید ، بعضی گفتند شایسته امامت و خلافت بعد از مصطفی صلوات الله علیه ابو بکر است و قومی گفتند علی بن ابی طالب فاضل تر است .

فی الجمله اهل ضلالت بیشتر بودند ، نه به قرآن کار کردند نه به حدیث ، و وصیت پیغمبر را کار نبستند پنداری که هرگز قرآن نشنیده اند و نخوانده اند و حضرت سید کائنات را هرگز ندیده اند . مگر این آیه وصف ایشان است :
یحرفون الکلم عن مواضعه .

التقصه این ضعیف در آن صرف کرد که معلوم کند که کدام طایفه یر جقتند از این هر دو گروه ، ناجی درستکار کدامند و هالک و زیان کار کدام . تا انصاف بدهد بی علت و تعصب حق را از باطل فرق کند و از فرقه ضلالت و بدعت خود را در کشف چه با اهل بدعت و ضلالت این چنین ضلالت است . لابد این کار را دقایق علوم و حقایق عقل درمی بایست ، از علوم هر چه غیر از قرآن و حدیث است افسانه است و از آن غرضی حاصل نمی شود و بنده مؤمن را جز کلام باری عز اسمه و حدیث مصطفی طهر جسمه به حضرت عزت و مقام قرب و فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر ، نرساند . این عروس اسرار بر بنده متجلی شد لازم دید روی به دار و خانه قرآن و اخبار نبوی نهادن تا آن درر غر از بحر قرآن و احادیث و اخبار نبوی بیرون آورد و به سواد انفس بر بیاض قرطاس نقش کند تا تذکره باشد این ضعیف منصفان عهد را ، و طاعنان بدعهد را خار در دیده شود و الله ولی التوفیق و هادی التحقيق .

فصل در بیان مقصود . بدان که اعانک الله و وفقک الله المرضاه در کتب متقدمان و متأخران نظر کردم از تفاسیر و احادیث ، از تعصب و مخالفت خالی نیافتم . پس به حقیقت دانستم که عداوت و شرک از درون هیچ کس خالی نبوده است .

فی الجمله شخصی را از اهل سنت و جماعت به دست آوردم که از فنون علوم باخبر بود . با او در سخن آمدم . . .

نهج الیقین

در اصول دین . از شاه ولی بن محمد امین سخنانی به نام نظام شاه در نیمه نخستین قرن یازدهم . در مقدمه شش باب (در دیباچه پنج باب) و خاتمه :

مقدمه - در بیان اثبات واجب الوجود .

باب نخست : در صفات ثبوتیه . باب دوم - در صفات سلبيه . باب سوم - در عدل . باب چهارم - در نبوت . باب پنجم - در امامت . باب ششم - در بیان حقیقت معاد جسمانی .

خاتمه - در حقیقت توبه و عذاب قبر و سؤال نکیرین و صراط و قیامت .
آغاز : « بسمله . . خلاصه حمد و سپاس و تقاضای شکر بی قیاس مر خدایی را در خور است که به واسطه انتظام امور عالم . . .

اما بعد بدان که این رساله ای است مسمی به نهج الیقین در اصول دین به طریق حق اهل الیقین که هر موحدا از دانشمندان آن گزیری و هر مکلف را از شناختن آن گزیری نیست چه عارف به مسائل آن ناجی و عالم به دلائل آن راجی به نعم مؤبد گردد به طریق انیق ائمه دین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین . بنا بر این بنده کمترین آل رسول هاشمی شاه ولی بن محمد امین سمنا نی که دست اقتدا به دامن اعتدال « الی تارک فی کم الثقلین کتاب الله و عترتی » زده ، کشت زار امید دینی و دنیوی خود را از زلال افضل رسول قرشی و اهل بیت طاهره آن حضرت سیراب ساخته و لوا ی ولایت ایشان را بر فرق سرانداخته ، فیافای فوآد خود را از عیون ارادت ایشان سرسبز وریان نموده ترتیب داده بر سبیل اختصار نه اطناب و اکتار که از کتب معتبره و اسانید صحیحه موافق و مخالف انتخاب نموده و در سلك بیان منظم ساخته ، به رسم تحفه خزانه عامره اعلی حضرت . .

. . . ابوالفتح برهان نظام شاه . . درجه تحریر و مرتبه تقریر یافت .

حقا که نثار بارگاه تو سزد هرجا گهری بر آید از کان سخن

هر چند این داعی بی بضاعت و راجی کم استطاعت را اهلیت تصنیف و قابلیت تألیف نیست سیما خوض در چنین مبحثی . . .

۲۲

مرآت القلوب

در امامت . از علی رضا بن محمد رستم داری در ۱۰۳۰ در پرتنه از شهرهای هند به نام نجیب الدین ابراهیم فتح جنگ . در مقدمه و سه مقصد و خاتمه :

مقدمه - در بیان مفهوم و شرائط امامت .

مقصد ۱ - امام بعد از پیامبر کیست .

مقصد ۲ - ابطال خلافت خلفا .

مقصد ۳ - اثبات امامت امیر مؤمنان .

خاتمه - بیان نسب امامان اهل بیت .

آغاز : « بسمله . . . ما اجل شأنه وما اعظم برهانه که شیر مردان مسالك قرب ازادای حمد و ثنائش راجل و باریافتگان سراقق کبیریا از فضل آلامش به مجز و قصور قائل . . . »

ناظم این عقود الی اقل خلق الله علی رضابن محمد رستم داری همیشه در خاطر داشتیم که در علم امامت که اشرف علوم و محل جد شدن مذهب حق از طریق باطل است و دانستن او بر همه کس واجب و لازم ، موجزی به سمت ظهور جلوه پیرا گردد اما از ضعف پیری و ناتوانی و شدت پیرشانی و بی دماغی میسر نمی شد که این صورت ذهنیه خیالی را از نهان خانه خفا به لوح بیان نگارش دهیم . آخر الامر به تاریخ سنه ثلاثین و الف من الهجرة النورية النبوية در دارالامان پتته صانه الله تعالی عن البلیته و الفتنة توفیق روی نمود . نقاب تکامل و حجاب تکاسل را به يك سو نهاده شروع در مقصود نمودم و نظر سعی در معنی اندیشه گماشتم . آنچه مقتضای دلیل و برهان و مطابق حدیث و قرآن بود از هر جا مؤلفان سلف از آیات و احادیث و اخبار و روایات وادی دروادی رحیل بر رحیل لیل و نهاراً به حسب طاقت و قدر استطاعت بذل جهد نمودم و جمع آوردم و این مجموعه مرتبه را به « مرآت القلوب » موسوم کردم و از برای نشر مجلس بهشت ایاب بندگان . . .

المخاطب بخطاب فتح جنگ نجیب الدین ابراهیم خلد الله علینا و علی كافة البرایا ظلال جلال دولته و حکومت به قلم مشکین رقم مزین گردانیدم .

انجام : « و قد و تح الفراق من تکمیل هذا الترتیب المسمى بمرآت القلوب فی غرة شهر ذی القعدة سنه الف و ثلاثین من هجرة النورية النبوية علی ید مرتبه المحتاج الی رحمة الله الغنی علی رضابن محمد رستم داری و كان ذلك فی دارالامان پتته . »

۲۴

ریاض المعین

فی مناقب امیر المؤمنین . از جلال الاسلام صاعدی به نام نظام شاه . در ۱۲ روزه هر یک در اثبات افضلیت حضرت امیر مؤمنان علی از هر گذر نکته ای که در آن روزه بررسی می شود .

- ۱ - بدو خلقت ۲ - محل ولادت ۳ - سبق اسلام ۴ - تزویج حضرت زهرا - ع ۵ - وجوب مودت ۶ - نصرت دین ۷ - علم و دانائی به نص آیات و اخبار ۸ - زهد و تقوی ۹ - اخوت و برادری با پیامبر ۱۰ - استحقاق مرتبه امامت ۱۱ - حدیث علی مع الحق و سد ابواب ۱۲ - القاب امام .

آغاز : « بسمله . . حمد و ثنای بی انتها پروردگاری را سزااست جل و علا که به ید قدرت نورالامع الظهور مصطفی و مرتضی را . . .
 اما بعد چنین گوید اقرالمحتاجین الی الله الغنی جلال الاسلام الصاعدی ..
 که تا به شرف مطالعه حدیث صحیح و نص صریح « ان الله تعالی . . . » فایز شد
 در خاطر فاتر بود که به ترقیم چند کلمه از فضائل و مناقب امیر المؤمنین . سرافراز
 شود به محبان آن حضرت رساند تا ایشان هم به وسیله شرف مطالعه و مذاکره
 و استماع آن مناقب علیه به سعادت مغفرتی که مذکور شد فایز شوند . تا در این
 زمان سعادت نشان خواست که خود را ذره وار مذکور خاطر دریا مقاطر نواب
 کامیاب عالی حضرت . . اشرف همایون نظام شاه . . گرداند ، با وجود
 پریشانی های خاطر و عدم فراغ باطن و ظاهر در جمع این رساله توجه عام نمود
 و در عرض قلیلی از ایام قامت آن را کسوت اتمام داد و مشتمل بر دوازده روزه ساخت
 و آن را « ریاض المحبین » نام نهاد . امید که چون به نظر کیمیا اثر آن عالی
 حضرت رسید به سعادت حسن قبول سرافراز گردد . »

۲۷

ذخیر المقالة

در علم کلام . از ظاهر علوی ، گویا همان امیر محمد طاهر علوی نگارنده:
 اخلاق قاسمی - ش ۶۱۹۱ ملک (فهرست منزوی ۲ : ۱۵۳۲) در ج ۱ -
 ۹۹۴ . به نام نظام شاه ، در مقدمه و پنج فصل و خاتمه :
 مقدمه - در کئیة بعضی از اصحاب رسول (ص) با حضرت مرتضوی .
 فصل ۱ - ملقب بودن علی (ع) پیش از درگذشت پیامبر به امیر المؤمنین .
 فصل ۲ - مأمور شدن پیامبر به جانشین ساختن علی . فصل ۳ - روایات مربوط
 به غدیر . ۴ - وقایع پس از بیعت غدیر . فصل ۵ - درگذشت پیامبر و غصب
 خلافت .
 خاتمه - حدیثی در باب سب .

آغاز : « بسمله . . ستایش سزاوار و حمد بی شمار واجب الوجود فایض-
 الجودی را که کمال وجود را بر قوایل ماهیات اضافه فرمود . . .
 اما بعد این رساله ای است ذخیر المقالة از تعلیمات خاگرو به مشهد
 غروی طاهر علوی در بیان امامت حضرت وصی وفی علیه سلام الله الملك الولی و
 تبیان اخبار و روایاتی که در باب خلافت مروی است و اجماع فقهای امامیه بر آن
 منعقد شده و شک و ریب را مدخل نیست . و مزین و محلی شده به نام نامی و اسم
 سامی بندگان اعلی حضرت . . . برهان نظام شاه . . . »